



### مدخل:

**نساء:** «وایتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا التکاح

فان آنستم منهم رشداً...» (۲)

در این آیه، «رشد» به معنای حد بلوغ و رشد عقلی به کار رفته است. شاید، ارتباط رشد به معنای «بلوغ» با رشد به معنای «هدایت»، چنین باشد که در دوران بلوغ فکری، آمادگی برای هدایت یابی، فزونی می یابد.

**سوره کهف:** «قال له موسی هل اتبعک

علی أن تعلمن مما علمت رشداً»

در این آیه هم «رشد» به معنی هدایت گرفته شده است. علامه طباطبایی (ره) در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: «رشد»، خلاف «غی» است. مقصود این است که «قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ الْغَى» (۳) هدایت از ضلالت تفلیک و روشن شد. که در این آیه نمودار شده است.

امام صادق علیه السلام در باره رشد مداوم و

وعده دادیم که مباحث کودک،

نوجوان و جوان را در سه ساحت

بررسی کنیم؛ اینک تداوم موضوع

کودک است. نمودار مطالعه این

شماره را در پیش رو دارید:

کودک: رشد - فطرت - آموزشهای

مذهبی

رشد: بدنی، فکری، اجتماعی و معنوی

فطرت: فطرت عقلی و فطرت دل

فطرت دل: تمایل به معبود، تمایل به

حقیقت، تمایل به زیبایی و تمایل به

فضیلت های اخلاقی

🔸 **رشد چیست؟**

در کلام الهی (قرآن) کلمه «رشد» به

چند معنا به کار رفته است از جمله در

سوره های:

**بقره:** «... قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ

الغَى...» (۱) که به معنای «هدایت»

به کار رفته است.



اخلاقی، حرکتی فراگیرتر از مدارس است. هرچه کودک بالنده‌تر شود حقیقت‌ها را نیکوتر ادراک می‌کند و زمینه برای رشد فکری مذهبی در حیطه آموزش‌های مذهبی فراهم‌تر می‌شود.

**ج) رشد اجتماعی:** مقصود فراگیری آداب برخورد‌های اجتماعی است و توان تعامل با جامعه که بحث انزواگرایی مذموم را می‌توان در اینجا مطرح ساخت. (وعده می‌دهیم، وقتی به موضوع نوجوان رسیدیم، بحث رشد اجتماعی را مطرح کنیم).

**د) رشد معنوی:** با توجه به زمینه‌های فطری که در این مقاله مطرح می‌شود، انسان برای این رشد آفریده شده است. تخلق به اخلاق خدایی که زمینه‌های آن با تمرین عبادت در دوران کودکی شکل می‌گیرد.

شخصیت و کمالات گسترده انسان می‌فرمایند: «کسی که دو روزش در بهره‌زندی و رشد انسانی یکسان باشد در معامله نقد عمر، مغبون است و کسی که امروزش بهتر از دیروز باشد، شایسته است که مورد غبطه دیگران واقع شود و کسی که امروزش بدتر از دیروز باشد، محروم از رحمت حق است و...» (ع)

**گونه‌های رشد:**

**الف) رشد بدنی:** کودک باید به گونه‌ای تربیت شود که در آینده قدرت تحمل سختی‌ها، کمبودها و گذشتن از خواسته‌های کوچک و بزرگ را داشته باشد. باید به غذا، ورزش، بهداشت او توجه کرد و حتی متناسب با رشد جسمانی او لباس و پوشش مناسب، برایش در نظر گرفت. بحث رشد بدنی و نحوه تغذیه سالم مادی و معنوی کودک در مقاله شماره قبل بررسی شد که عزیزان را به شماره ۱۰ مجله ارجاع می‌دهم.

**ب) رشد فکری:** بلوغ دختر و پسر در پایان ۹ سال و ۱۵ سال قمری، نوعی بلوغ فکری و عقلانی است. خانواده‌ها، فراخور فهم کودکان باید آموزش‌ها را آغاز کنند، آموزش‌های کلاسیک در باب علوم و رسالت عمده مدارس اسنت و آموزش‌های مذهبی و اجتماعی و



## ✽ کودک، آئینه فطرت

فطرت، نوع خاص آفرینش الهی انسان را گویند که سرشته خداگرای و خداشناسی، همزاد آدمی است. انبیاء برای رشد این فطرت آمده‌اند: «فذكر ائمة أنت مذكر» (۵) «پس ای پیامبر! یادآوری کن! و تو فقط یادآوری کننده هستی». «یاد انداختن» و «یادآوری» در حقیقت باز گرداندن به فطرت سلیم است و زدودن غبارهای غفلت؛ زیرا آئینه فطرت، به زودی غبار می‌گیرد و غبارروبی می‌خواهد. غبارزدایی مهربان با ظرافت‌های فراوان، زلالی آئینه را پاسداری می‌کنند.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لیستأدوم میثاق فطرته...» (۶)

«انبیاء آمدند، تا از مردمان بخواهند، نسبت به پیمان فطری خود وفاداری کنند.»

## ✽ نگاهی به صحیفه آسمانی

به چند آیه در این زمینه، توجه کنید: «فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون» (۷)

## پنج نکته‌ی بنیادی در این آیه:

- ۱- روی گردان به سمت دین و عنایت به حقیقت توحید فطری.
- ۲- دینی که همه مردمان (از همه نژادها و سرزمین و عصرها و نسل‌ها) براساس آن آفریده شده‌اند و رنگ

الهی به آنها زده شده است.

۳- خلقت خداوند تغییر پذیر نیست (همیشه فطرت باقی است).

۴- دین پابرجا و برپایدارنده، آئین فطرت است (نه آئین‌های ساختگی).

۵- بیشتر مردم غافل از این حقیقتند. «صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن

له عابدون» (۸)

«(این است) نگارگری خدایی (پذیرند، رنگ ایمان و توحید و اسلام) و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستند گانیم!»

## ✽ وحدت در عین کثرت

فطرت انسانی در عین حالی که وحدت دارد، از کثرت هم برخوردار است. ترسیم کثرت آن، چنین است:

## فطرت انسان: عقل و دل

دل: گرایش به معبود (دین)

گرایش به زیبایی (هنر)

گرایش به اخلاق (اخلاق)

گرایش به حقیقت (علم)

## فطرت عقل:

فطرت عقل، روشنگری می‌کند و عقل را به «نظری» و «عملی» تقسیم کرده‌اند. عقل نظری درگیر شناخت است و عقل عملی طراح طرح‌های اجرایی و ارزشی. به عبارت دیگر، ارزش‌گذاری می‌کند و نیک و بد را تفکیک.

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، ذیل آیه «فأهلها فجورها و تقواها» در سوره



شمس، نوشته‌اند:

به خداست، با همه جاذبه‌ها و کرنش  
در برابر او.

### ✽ فطرت ناب کودک

و اما امانت به ظاهر کوچکی که به  
دست ما سپرده شده است، دنیای  
بزرگی است از همه آنچه راجع به  
فطرت نوشتیم:  
خداوند راجع به لحظه‌های تولد ما  
می‌گوید:

«والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون  
شیئاً و جعل لکم السمع والابصار والافئدة  
لعلکم تشکرون» (۱۰)

«و خداوند شما را از شکم مادرانتان  
بیرون آورد؛ در حالی که هیچ چیزی  
نمی‌دانستید و برای شما گوش و  
چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، شاید  
سپاسگزاری کنید.»

در اینجا یک شبهه یا سؤال مطرح است  
که، اگر کودک با فطرت به دنیا  
می‌آید، چرا این آیه می‌فرماید: «هیچ  
چیز نمی‌دانستید»؟

**پاسخ سؤال:** خلاصه پاسخ این است  
که در فطرت، بحث بر سر استعداد  
است و گرایش و آمادگی برای رشد.  
لذا امام علی علیه السلام فرموده‌اند که دو  
نوع عقل داریم:

طبیعی و اکتسابی. در عقل طبیعی،  
همان فطرت عقل مطرح است و  
استعداد شناخت خدا و خویشتن و  
عالم و ...

در آیه مورد اشاره (که هیچ چیز

الهام را فرع بر «تسویه» (به تعادل  
رساندن جان آدمی) آوردن، اشارتی  
است به اینکه، الهام فجور و تقوا، - که  
همان عقل عملی است - از مراحل  
تکمیل تسویه نفس است. (۹) یعنی  
فطرت آدمی، بهره‌مند از عقل عملی  
است و ارزش گذاری، از هنرهای  
اوست.

**در حوزه فطرت دل، قصه گرایش  
و حدیث کشش، حاکم است. در  
حوزه عقل، بینش مطرح بوده و در  
این جا تمایل و کشش و جاذبه.**

- تمایل به معبود پیراسته و پاک، که  
تکیه‌گاه عالم است.

- تمایل به جلوه‌های زیبایی از حسی تا  
معنوی و تمایل به روح بلند. و علاقه  
به معبودی که کانون همه زیبایی‌ها و  
جاذبه‌ها است.

- گرایش به جلوه‌های خلق الهی که  
در انسان‌های خلیفه خدا، جلوه‌گر  
می‌شود.

- تمایل شدید به یافتن تمام  
جلوه‌های حقیقت، تا معدن همه  
حقیقت‌ها که خداست.

مقصود از کثرت در عین وحدت، این  
است که با وجود تنوعی که در  
فعالیت‌های فطرت عقل و  
کوشش‌های چهارگانه فطرت دل،  
حاکم است، همه اینها در یک حقیقت  
واحد، تمرکز می‌یابند و آن: رسیدن

یادگیری زبان غیرمادری و در حافظه نگه داشتن یک کتاب بزرگ (مانند: قرآن، نهج البلاغه و...) را در دوران خردسالی، توصیه و عمل می کنند. اُنس دادن با عبادت‌ها به همراه آموزش، کودک را برای تربیت والا و تزکیه قرآنی مستعد می کند.

شاید یکی از برجسته‌ترین متون اسلامی، در باب آموزش‌های دوران نونهالی و جوانی، نامه ۳۱ نهج البلاغه باشد. اینک بخش‌هایی از آن را، زیور بحث خود می گیریم:

«أما قلب الحدث كالارض الخالية مالم يلقى فيها من شئ قبلته» «قلب نورسته، مانند زمین خالی (و بی کشت) است؛ هر چه در آن قرار داده شود می پذیرد.»  
 «وانت مقبل العمر و مقبل الدهر، ذونية سليمة و نفس صافية» «و تو رو کرده به عُمر و روزگار هستی؛ صاحب نیتی سالم و جانی پاک.»

«و ان ابتدئك بتعليم كتاب الله عزّ و جلّ من اهوائهم و آرائهم» «و اینکه برای تو از تعلیم کتاب خدا (قرآن) و تأویل آن، آغاز کنم... آنگاه ترسیدم همان گونه که حقیقت بر مردم به خاطر اندیشه‌ها، یا هواهای نفسانی، مشتبه شده است، بر تو هم مشتبه شود.»

امام علیؑ در این گفتار، بیم و هراس از رهنان اندیشه دارند و سارقان حقیقت، که با یک صورت نیکو از چپش صغرا و کبرا، به جای برهان،

نمی دانستید... بحث بر سر آگاهی‌هایی است که از طریق حواس به دست می آید (به قرینه «سمع و بصر» که در آیه آمده است) و این، همان فعالیت اکتسابی «عقل» است.



### ○ جانی آموزش پذیر

آموزش‌های مذهبی کودکان، حک کردن نوشته‌ای به روی سنگ است. در روایتی آمده است: «العلم في الصغر كالنقش في الحجر» «دانش و آموزش در کودکی مانند نقش روی سنگ است.» پذیرش انسان در حدّ بالاست که

مغالطه را قالب و غالب می‌کنند و نسلی را می‌فریبند، یا هوس‌ها را ساری و جاری کرده تا تمایل به حقیقت را قربانی کنند.

مجال وسیعی می‌خواهد تا بخش‌های مرتبط با آموزش، را از دل این نامه کامل، خارج کنیم؛ در این نوشته کوتاه، امکانی برای این هدف نیکو، نیست.

### چند دیدگاه:

قال الصادق علیه السلام: «بادروا أحداثکم بالحديث قبل ان يسبقکم اليهم المرجئة»

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمائید، پیش از آنکه مخالفین گمراه، بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند. (۱۱)

«آموزش تعالیم دینی و پرورش عواطف ایمانی و اخلاقی، در وجود جوانان دو اثر بزرگ دارد: اول آن که احساسات مذهبی جوانان، که خود یکی از خواهرهای فطری آنان است به این وسیله ارضاء می‌گردد و دیگر آن که نیروی مذهب، سایر تمایلات طبیعی و خواهرهای غریزی جوانان را مهار می‌کند و از تندروی و طغیانشان باز می‌دارد و آنان را از آیین مقدس اسلام، در راه ساختن یک

ملت شایسته و لایق، درستکار و پاک عمل، برنامه‌های تربیتی خود را بر اساس فطرت ایمان تنظیم نموده و از دوران شباب، نسل جوان را با ایمان به خدا بار می‌آورد.» (۱۲)

امام علی علیه السلام: «علم لا یصلحک، ضلال» «دانشی که تو را به رستگاری نرساند، گمراهی است.» (۱۳)

امام سجاد علیه السلام: «واعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برّهم» (۱۴)

خدایا مرا بر تربیت و تأدیب و نیکی فرزندانم، یاری کن.

نوعماً مسائل مهم در قالب نیایش مطرح می‌شود؛ زیرا قدرت انسان محدود است و نمی‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد.

در تربیت فرزندان، بخشی از کار با ما است؛ بقیه با خدا است که باید کار ما را ثمر بخش و تکمیل کند.

- ابن مسکویه: ایشان معتقد به رشد تدریجی انسان است و برای آن مراحل را بیان کرده است. وی کودک و جوان را به شدت تربیت‌پذیر معرفی کرده، بر اهمیت، نفوذ و عمق تربیت در کودکی تأکید کرده است. او معتقد است، کودک در فراگیری و آموزش، بیش از هر چیز از کودکان و همبازی‌های خود، متأثر است و از آنها تقلید می‌کند. (۱۵)

ابن مسکویه، سلسله‌ای از اصول کلی

حقیقت ماورای طبیعی، با توجه به مفید بودن تجربه دینی، گستراننده و بدین گونه به ابعاد معنوی و فطری انسان نظری افکنده است. (۱۷)

در خاتمه باید بگویم که در امر تعلیم و تربیت باید شتاب کرد و به قول کارشناسان انسانی و فیزیولوژیست‌ها و روان‌شناسان، ارزش زمان برای کودک و پدر و مادرش یکسان نیست. یک روز در یک سالگی، خیلی طولانی‌تر از یک روز در سنی یا چهل سالگی است.

«ادامه دارد»

تربیتی را ارائه کرده است که برپایه تفکرات انسان‌شناسی و روان‌شناسی استوار است.

- بوعلی‌سینا: ایشان معتقدند پس از تولد کودک باید مربی شایسته برای تربیت او گرفت و همت به تربیت کودک نمود. پس از مرحله دوم کودکی (یعنی شش سالگی) که کودک تلقین‌پذیر است و رشد شنوایی در او ایجاد شده، باید تعلیم قرآن پیردازد. و خلاصه نظر ایشان در این قسمت انتخاب معلم شایسته و رفیق مناسب است.

آگوستین: تعلیم و تربیت از نظر آگوستین، شامل دو جنبه است: او توجه به درون و پالایش نفس و دوم، تعلیم که آن هم تحت تأثیر عامل اول است. پالایش نفس از دیدگاه آگوستین، شامل پرهیز از گناهان و رذایل، براساس آیین مسیح است و منظور از آن، آمادگی و شایستگی یافتن عقل برای درک حقیقت درونی و نور اشراق الهی است... و به طور خلاصه، تعلیم و تربیت عملی است که هدف آن کمک به انسان برای نیل به خشنودی و سعادت جاودانی، از طریق کسب حقیقت در حد توانایی است. (۱۶)

ویلیام جمیز: او می‌گوید، دامنه پراگماتیسم (اصالت عمل) خود را به تجربه در امور روحی و روانی و اثبات

